دکتر محمد مرندی در گفت‌وگو با روزنامه «جام جم» ابعاد جدید راهبرد امنیت ملی آمریکا را تشریح کرد

عقب‌نشینی به نیمکره غربی

مریم شریف‌زاده | گروه سیاسی

در روزهای اخیر سند راهبردی امنیت ملی آمریکا منتشر شده؛ سندی که نشانه‌های آشکاری از تغییر مسیر واشنگتن در آن دیده می‌شود؛ تغییری که بسیاری از کارشناسان آن را نه بازنگری راهبردی بلکه اعترافی تلخ به افول قدرت و توان پردازش جهانی آمریکا می‌دانند. در همین زمینه، برای بررسی ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی این سند و تحلیل پیامدهای آن بر توازن قدرت جهانی، گفت‌وگویی با دکتر سیدمحمد مرندی، استاد دانشگاه تهران و کارشناس مطالعات آمریکاانجام داده‌ایم.

دکتر مرندی در این گفت‌وگو تأکید می‌کند که سند جدید امنیت ملی آمریکا بیش از هرچیز منعکس‌کننده ذهنیت شخصی ترامپ و بحران در راهبرد جهانی آمریکاست. او معتقد است کاخ سفید ناگزیر از عقب‌نشینی از رویکرد «ابرقدرت تنها» شده اما هنوز از بار سنگین پایگاه‌های نظامی، بدهی عظیم و سیاست‌های باج‌خواهانه رهایی نیافته است. به گفته مرندی، تا زمانی که آمریکا هزینه‌های نظامی خود را کاهش ندهد و از سیاست فشار بر متحدان دست نکشد، این سند چیزی جز «بیانیه‌ای پر از تناقض و اعتراف به ضعف» نخواهد بود.

متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانیم:

سند راهبردی امنیت ملی آمریکا چه چیزی را درباره جایگاه این کشور در نظام جهانی نشان می‌دهد؟

سند راهبردی امنیت ملی آمریکا نشان می‌دهد این کشور از آن نگاهی که بعد از پایان جنگ سرد پیدا کرده بود ـ یعنی تبدیل شدن به قدرت مطلق و باقی ماندن به عنوان ابرقدرت تنها ـ عقب‌نشینی کرده است. چون چنین چیزی شدنی نیست. این یک نوع اعتراف به ضعف و افول است؛ افرادی چون پل ولفوویتس این نگاه را شدیدا دنبال می‌کردند. نگاه حاکم بر آمریکا نمی‌تواند به روند گذشته ادامه دهد و محتوای سند نشان‌دهنده نوعی عقب‌نشینی از «آمریکا باید تنها ابرقدرت جهان باشد » در شرایط دنیای تک‌قطبی است. با این حال این عقب‌نشینی نوعی عقب‌نشینی به نیمکره غربی است.

این عقب‌نشینی چه پیامدهایی برای مناطق مختلف به‌ویژه آمریکای لاتین دارد؟

این وضعیت خبر خوبی برای آمریکای لاتین، آمریکای جنوبی، آمریکای مرکزی، مکزیک و کانادا نیست، زیرا آمریکا در این سند تأکید می‌کند که هژمونی‌اش باید حفظ شود و در درجه دوم بر شرق آسیا تمرکز می‌کند. نگاه آمریکا در این سند نسبت به چین کمی تعدیل شده اما نسبت به اروپا نگاه خشن‌تر و منفی‌تری دارد و معلوم است که با اتحادیه اروپا زاویه دارد.

با این حال، آنچه مهم است این‌که آمریکا به‌راحتی نمی‌تواند این سند را اجرا کند. دلیلش این است که سرمایه‌گذاری نظامی آمریکا در سراسر جهان و وجود نزدیک به ۹۰۰ پایگاه نظامی در نقاط مختلف جهان، خودش هزینه هنگفتی را هر سال به بودجه کشور تحمیل می‌کند در حالی‌که آمریکا به‌شدت بدهکار است. با وجود این، هیچ نشانه‌ای از تخلیه و کاهش تعداد این پایگاه‌ها وجود ندارد.

رویکرد آمریکا نسبت به قدرت‌های جهانی در این سند چگونه است؟

در این سند، آمریکا خواهان روابط بهتری با روسیه است، نگاهش به چین تعدیل شده و نسبت به اتحادیه اروپا دیدگاه منفی و تضعیف‌کننده دارد. همچنین آمریکا می‌خواهد جایگاه خود را در قاره آمریکا و آمریکای شمالی و جنوبی ـ تقویت کند اما به نظر من این دیدگاه‌های بیان شده در سند لزوما چیزی را تغییر نمی‌دهد. زیرا اگر قرار باشد تغییر واقعی رخ دهد، باید کاهش در هزینه‌های نظامی و حضور گسترده نظامی آمریکا در جهان ایجاد شود که فعلا چنین چیزی دیده نمی‌شود.

سند چه نگاهی به اقتصاد و روابط تجاری دارد؟

در این سند تأکید شده که آمریکا می‌خواهد بر تجارت مبتنی بر قدرت تمرکز بیشتری داشته باشد. یعنی از طریق قدرت، کسب درآمد کند. آمریکا می‌خواهد متحدانش هزینه بازسازی داخلی آمریکا را بپردازند. دقیقا همان سیاستی که اکنون در رفتار دولت فعلی آمریکا با ژاپن، کره، عربستان، قطر، امارات و حتی کانادا دیده می‌شود؛ سیاستی مبتنی بر فشار و باجگیری. در سند هم تصریح شده که کشورهای متحد باید برای بازسازی آمریکا هزینه کنند. آمریکا همچنین می‌خواهد قدرت اقتصادی خود را تقویت کند.

می‌توان گفت این سند بیش از هرچیز بازتاب‌دهنده نگاه شخصی ترامپ است و حضور دیدگاه او در آن بسیار پررنگ است اما این‌که رؤسای جمهور بعدی آمریکا به این سند عمل کنند یا نه، اکنون معلوم نیست ولی آنچه روشن بوده آن است که این سند نوعی اعتراف به ضعیف‌تر شدن آمریکا و کاهش جایگاه آن است. با این حال تا زمانی که آمریکا هزینه‌های نظامی خود را در سطح جهان کاهش ندهد، این سند تغییر مهمی ایجاد نخواهد کرد.

یادداشت

حمید شهرابی | تحلیلگر مسائل آمریکای لاتین

تهدید ونزوئلا و مسئولیت تاریخی ما

انتشار سند راهبردی امنیت ملی آمریکا بسیاری از تردیدها درباره نمایشی بودن آرایش نظامی ایالات متحده در سواحل ونزوئلا را از بین می‌برد. بازگشت به سیاست مونروئه و حیاط خلوت پنداشتن آمریکای لاتین از نظر واشنگتن و افزایش تنش برای تضعیف دولت قانونی و انقلاب بولیواری ونزوئلا کاملا جدی است و آمریکایی‌ها ابایی از تصریح بر آن ندارند این درک یعنی آمریکا نمی‌خواهد به استقلال سیاست خارجی این کشورها احترامی بگذارد و روابط این کشورها را با چین، روسیه یا ایران تحمل کند. باید توجه داشت که در راستای ادبیات‌سازی علیه ونزوئلا، آمریکا از سفسطه موفق بودن عملیات علیه ایران بهره برده است و از «قابلیت تکرار آن در ونزوئلا» دفاع می‌کند. به این ترتیب آنچه در ونزوئلا می‌گذرد باید فراتر از یک نمایش سیاسی تلقی کرد و دکترین مداخله‌جویی واشنگتن در آمریکای لاتین را امری جهانی تلقی کرد که نیاز به واکنش‌های جدی‌تر همه محور مقاومت دارد. دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی تاکنون موضعی روشن اتخاذ و تهدیدات علیه ونزوئلا را محکوم نموده است. ایران بارها رسما اعلام کرده که در کنار ملت‌های مستقل برای حفظ حاکمیت ملی و شکل‌گیری نظم نوین جهانی می‌ایستد و نشان داده نه‌تنها شعار بلکه ظرفیت عملی برای دفاع از خود و حمایت از متحدان دارد. با این حال، انتظار عمومی این است که تحرک دیپلماتیک ایران متناسب با سطح تهدیدها افزایش یابد و ایران ابتکاری عملی جهانی در راستای روشن‌تر کردن ابعاد تجاوزگری به ونزوئلا و آمریکای لاتین را به عهده بگیرد چراکه رویه‌سازی و عادی‌سازی حمله به ونزوئلا تالی و پیامد موفق‌نمایی از حمله به ایران و توجیه‌گر آن است. ممکن است برخی این تحلیل را داشته باشند که تحرک و فعالیت بیشتر ایران و مثلا انجام سفرهای دیپلماتیک به ونزوئلا و کلمبیا باعث تحریک بیشتر آمریکا و توجیه ادعاهای آنها در مورد دخالت ایران در آمریکای لاتین باشد اما روانشناسی دولت فعلی آمریکا نشان می‌دهد که اتفاقا سیاست به اصطلاح «آسه برو آسه بیا که گربه شاخت نزند» یا مقاومت حداقلی، واشنگتن‌نشین‌ها را دچار این محاسبه غلط می‌کند که طرف مقابل آمریکا دچار ضعف شده است و اتفاقا این تجاوزگری آنها را بیشتر ترغیب و تحریک می‌کند. بنابراین به دست گرفتن ابتکار عمل توسط ایران و تلاش برای ایجاد همبستگی گسترده‌تری میان کشورهای هدف فشار محاسبات سیاسی آمریکا را به نفع محور مقاومت جهانی تغییر خواهد داد.

گزارش

با سفر وزیر خارجه کشورمان، تهران و باکو برای گسترش روابط دوجانبه آماده می‌شوند

دیدار برای رفع سوء تفاهم

سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، روز یکشنبه ۱۶ آذر برای دیداری دو روزه با مقامات بلندپایه جمهوری آذربایجان برای رایزنی در خصوص مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی وارد باکو شد. این سفر شامل دیدار با الهام علی‌اف رئیس جمهور آذربایجان، جیحون بایراموف وزیر خارجه این کشور، صحیبه غفاروا رئیس پارلمان ملی آذربایجان و شاهین مصطفی‌اف معاون نخست‌وزیر آذربایجان بود که روز گذشته انجام شد. عراقچی همچنین با حضور در محل یادبود شهیدان، به شهدای جمهوری آذربایجان ادای احترام کرد.

این برنامه‌ها در چارچوب رایزنی‌های دیپلماتیک برای بررسی روابط دوجانبه و مسائل منطقه‌ای انجام گرفت.

وزیر خارجه کشورمان در آغاز سفر کاری خود در باکو، روز گذشته، با الهام علی‌اف، رئیس جمهور این کشور دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار، سلام گرم روسای جمهور دو طرف به یکدیگر ابلاغ شد. علی‌اف این سفر را تاریخی توصیف کرد و گفت: «این سفر نقش مهمی در تقویت تفاهم و بهبود روابط دوجانبه ایفا خواهد کرد.»

وی با ابراز خوشحالی از روند رو به رشد روابط، بر استفاده از همه ظرفیت‌های موجود برای گسترش مناسبات تأکید کرد. عراقچی نیز دیدگاه‌های ایران را در خصوص تحولات منطقه‌ای تشریح و بر لزوم رایزنی‌های مستمر برای رفع هرگونه سوءتفاهم احتمالی اصرار ورزید.

پس از این دیدار، عراقچی با جیحون بایراموف، وزیر خارجه جمهوری آذربایجان دیدار کرد. بایراموف با استقبال گرم از همتای ایرانی، گفت: «جمهوری آذربایجان علاقه‌مند به روابط دوستانه با ایران است و سال ۲۰۲۵ را سرآغاز توسعه‌ای چشمگیر در همکاری‌های دوکشور می‌داند.» وی با اشاره به ریشه‌های تاریخی و مذهبی مشترک دوکشور از برگزاری جلسات کمیسیون اقتصادی مشترک برای تقویت تجارت دوجانبه خبر داد. بایراموف همچنین همتای خود را در جریان روند عادی‌سازی روابط با ارمنستان قرار داد. عباس عراقچی در این دیدار بر حمایت ایران از سازوکار ۳+۳ تأکید کرد و گفت: «این مکانیسم برای همکاری سیاسی، اقتصادی و امنیتی بدون دخالت خارجی مفید است.»

دخالت خارجی مخرب امنیت منطقه

بایراموف با استقبال از این ابتکار، پیشنهاد برگزاری نشست بعدی ۳+۳ در باکو و جلسه آتی در ایروان را مطرح کرد و عراقچی آن را «گامی مؤثر» برای حل اختلافات موجود دانست.

در کنفرانس خبری مشترک عراقچی و بایراموف پس از مذاکرات، دو وزیر به سؤالات خبرنگاران پاسخ دادند. عراقچی سفر خود را «در زمان بسیار مناسبی برای مرور روابط دوکشور» توصیف کرد و گفت: «نباید اجازه دهیم هیچ طرفی روابط ایران و جمهوری آذربایجان را خراب کند یا به سمت نامطلوب سوق دهد.»

وی بر عدم دخالت خارجی در قفقاز اصرار ورزید و افزود: «امنیت منطقه باید از طریق همکاری کشورهای منطقه تأمین شود و دخالت خارجی مخرب امنیت منطقه است.» وزیر خارجه کشورمان تأکید کرد: «تهران و باکو مسیر گفت‌وگو را برای حل و فصل هرگونه سوءتفاهم انتخاب کردند و مهم‌ترین توافق امروز ادامه گفت‌وگوها، مشورت‌ها و افزایش رفت‌وآمدهاست.»

بایراموف نیز در این کنفرانس خبری گفت: «جمهوری آذربایجان علاقه‌مند به تماس‌های منظم دوجانبه و گسترش روابط در تمام ابعاد است.»

لزوم تسریع در برنامه‌های مشترک

وی به رشد ۲۰ درصدی صادرات غیرنفتی جمهوری آذربایجان به ایران اشاره کرد و بر لزوم رفع موانع لجستیکی تأکید ورزید. عراقچی در ادامه برنامه‌های خود با صحیبه غفاروا، رئیس پارلمان جمهوری آذربایجان، دیدار و بر نقش پارلمان‌ها در تقویت روابط دوجانبه تأکید کرد.

دیدار با شاهین مصطفی‌اف، معاون نخست‌وزیر جمهوری آذربایجان، از دیگر برنامه‌های عباس عراقچی بود که به گفت‌وگو در خصوص مسائل اقتصادی و ترانزیتی اختصاص یافت.

عراقچی از علی‌اف و بایراموف برای سفر به تهران دعوت کرد و گفت: «منتظر میزبانی از رئیس جمهور آذربایجان و وزیر خارجه این کشور در تهران هستیم.»

بایراموف با استقبال از این دعوت، بر تسریع در اجرای پروژه‌های مشترک مانند خط لوله گاز و راه‌آهن شمال ـ جنوب اصرار ورزید.

یادداشت

دکتر داوود منظور | رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه

پشت پرده تحریم‌های ایران

بخش دوم از کتاب گلوگاه (۲۰۲۵) نوشته ادوارد فیشمن، یکی از مقامات وزارت خارجه امریکا، با عنوان «ایران و بمب اتم» به تبیین ابعاد مختلف جنگ اقتصادی امریکا علیه ایران پرداخته است. وی در فصل اول از این بخش با عنوان «فن‌سالاران تحریم» به توضیح و توصیف مسیر پیچیده‌ای می‌پردازد که به اعتقاد او توانست تحریم‌های آمریکا علیه ایران را از ابزاری کم‌اثر و پراکنده، به ماشینی دقیق و پرقدرت تبدیل کرد و سرانجام ایران را در سال ۲۰۱۳ پشت میز مذاکره در ژنو بنشاند.

این روایت با معرفی آدام سوبین آغاز می‌شود؛ چهره‌ای آرام و دانشگاهی که در ظاهر هیچ شباهتی به فرمانده یک جنگ اقتصادی ندارد، اما در عمل سال‌ها هدایت یکی از قدرتمندترین کارزارهای فشار مالی جهان را بر عهده داشت. حضور سوبین در کاخ ملل ژنو در کنار مذاکره‌کنندگان ارشد هسته‌ای، به‌عنوان نخستین مقام وزارت خزانه‌داری آمریکا در چنین مذاکراتی، نمادی است از تغییر چهره قدرت در جهان امروز؛ قدرتی که بیش از میدان‌های نبرد نظامی، در شبکه‌های مالی و بانکی تعریف می‌شود. نویسنده توضیح می‌دهد که تحریم‌های تازه آمریکا واکنشی بود به سرعت گرفتن برنامه هسته‌ای ایران و فعالیت‌های منطقه‌ای آن. به گفته او در شرایطی که واشنگتن پس از جنگ عراق به‌شدت از ورود به یک رویارویی نظامی دیگر پرهیز داشت، نیاز به ابزاری احساس شد که بتواند بدون شلیک گلوله، اقتصاد ایران را هدف قرار دهد. اما از آنجا که ایران سال‌ها روابط محدودی با اقتصاد آمریکا داشت، اعمال فشار نیازمند طراحی سازوکاری جدید بود؛ سازوکاری که نه ایران بلکه شرکای تجاری و بانکی آن را هدف قرار می‌داد و آنها را به قطع همکاری با تهران وامی‌داشت. این نقطه، تولد تحریم‌های ثانویه بود؛ فناوری که دامنه فشار را به سراسر جهان می‌کشاند و تعامل با ایران را به ریسکی جهانی تبدیل می‌کرد.

در روایت نویسنده، سوبین و همکارانش به‌عنوان «فن‌سالاران تحریم» معرفی می‌شوند؛ افرادی که با ادبیات حقوقی و شناخت عمیق از نظام مالی بین‌المللی توانستند حلقه فشار پیرامون ایران را پیوسته تنگ‌تر کنند. یکی از تصاویر شاخص این فصل، روزهایی است که دولت آمریکا به‌دلیل اختلافات داخلی تعطیل شده بود، اما کارشناسان تحریم بدون دریافت حقوق در محل کار حاضر می‌شدند تا بسته‌های کاهش فشار را برای مذاکرات ژنو آماده کنند. این تصویر، به باور نویسنده، نشان‌دهنده تولد نسلی از «سربازان جنگ اقتصادی» است که مأموریت‌شان نه مدیریت میدان نبرد بلکه مهندسی شبکه مالی جهان است.

در ادامه فصل، نویسنده مدعی می‌شود این فشارها به سرعت در اقتصاد ایران منعکس شد به طوری که ایران در سال ۲۰۱۲ وارد رکود شد و در سال ۲۰۱۳ با کمبود شدید ارز مواجه گردید؛ وضعیتی که نه‌تنها بر اقتصاد بلکه بر فضای سیاسی کشور نیز اثر گذاشت و به پیروزی حسن روحانی با شعار رفع تحریم‌ها انجامید. نویسنده تأکید می‌کند که این نقطه، لحظه‌ای مهم در مسیر سیاست خارجی ایران بود؛ لحظه‌ای که تحریم‌ها از یک ابزار بیرونی به نیرویی تعیین‌کننده در معادلات داخلی و خارجی تبدیل شدند. در نگاه این فصل، قدرت امروز نه در ناوها و پایگاه‌های نظامی بلکه در پیام‌های سوئیفت بانکی، محدودیت‌های اعتباری و توانایی قطع ارتباط یک کشور با اقتصاد جهانی نمود می‌یابد.

نویسنده در فصل دوم این بخش از کتاب که با عنوان «از ببر بی‌دندان تا عصر تحریم‌های دقیق» تنظیم شده است به بررسی تاریخی و تحلیلی کارزار تحریم‌های آمریکا علیه ایران می‌پردازد و توضیح می‌دهد که این سیاست، برخلاف تصور عمومی، از آغاز کارآمد و هدفمند نبوده است.

متن کامل رادر «جام جم آنلاین» بخوانید

متن کامل

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

ریشه‌های تفکر امروزین قدرت سیاسی رهبری امام خامنه‌ای

درک گوهر و عمق نگرش یک رهبر به قدرت سیاسی را می‌توان از اندیشه دیرپای او و پیشینه تفکر و مبانی‌اش دریافت. آن زمان که حتی تصور امامت امت در ذهنش جایی نداشت و به حقیقت نحوه رهبری در دوران انتظار و مبانی آن می‌اندیشید مهم‌ترین عنصر سازنده یک ساختار رهبری تعقل و عام و اندیشه است. در قلمرو رهبری امام خامنه‌ای این گوهر اندیشگی به طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن برداشت ایشان باز می‌گردد ضمنا کتاب مجموعه سخنرانی‌های ایشان با نام طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن سلسله جلسات استاد سید علی حسینی خامنه‌ای در مشهد مقدس مسجد امام حسن مجتبی رمضان المبارک ۱۳۵۳ شمسی منتشر شده است که در حقیقت طرح کلی مبنای رهبری قرآنی می‌تواند به شمار آید و من فقط می‌خواهم به قصد نشان دادن ریشه‌های رهبری جهانگیر امروزی ایشان گزارشی در یادداشتی محقر از آن ارائه دهم و هدفم موشکافی سخنرانی یا نقد آن نیست بلکه پاسخی است به نولیبرال‌هایی مثل سریع‌القلم و چپ‌های منتقد نولیبرال که هنوز از درک روح این رهبری و مبنای آن غافلند و هریک بنا به خواست خود می‌کوشند سروته آن را قطع کنند و تفسیر نارسای خویش را ارائه دهند. ولی پیوند این رهبری قرآنی با آن حقایق اسلامی همچنان دور از دسترس اندیشه دنیاگرای آنان و بی‌خبر از نیروهای عالم غیب باقی خواهد ماند. اولین پایه این رهبری قرآنی در آن سخنان رمضانی ایشان است و روشنگری و تبیین چیستی ایمان مفهوم ایمان آگاهانه نسبت ایمان با زایندگی و همراه با تعهدات عملی و نویدها و نتایج مترتب بر ایمان و عمل ایمانی و صالح فردی و اجتماعی تکلیف بردوش این جلسات آغازین بود. این ایمان در اسلام سرشت توحیدی دارد. پس جلسات بعدی درباره توحید در قرآن و در جهان‌بینی اسلام سرگرفت. موضوع عبادت و اطاعت انحصاری خدا و روح توحید نفی عبودیت غیر خدا و توحید و نفی نظام طبقاتی در اجتماع و برتری طبقه اقتصادی با سم طبقه منجی سرمایه‌دار یا کارگر و تاثیرات معنوی و روانی توحید روشنگری این دسته از سخنان است. چنین است باور به طبقه منجی طبقه متوسط غربگرا و مدرن که به غلط به سبب ندانستن زبان سریع‌القلم و غرب‌پرستان به اسم طبقه ناجی از آن نام می‌برند یا طبقه پرولتاریا در اندیشه مارکسی یک تفکر جاهلی خواهد بود که استاد سید علی خامنه‌ای آن سال‌ها آن را نقد می‌کند.

متن کامل رادر «جام جم آنلاین» بخوانید

متن کامل

ذره‌بین

رئیس جمهور:

سیاست‌گذاری باید بر اساس پشتوانه علمی و تجربی باشد

دکتر مسعود پزشکیان در نشست با دبیر، معاونین و دبیران کمیسیون‌های هیات دولت که صبح دیروز برگزار شد، با تأکید بر ضرورت انجام کارها و رسیدگی به مصوبات براساس شواهد علمی و مستندات بیان کرد: در تمام دنیا سیاست‌گذاری‌ها براساس آیین‌نامه‌ها و چارچوب‌های مشخصی طرح‌ریزی، جمع‌بندی و اجرا می‌شود که از پشتوانه مورد قبول علمی و تجربی برخوردار هستند. رئیس جمهور ادامه داد: از این‌رو چنانچه قرار است در دولت سیاستی اعمال شود، باید برای آن فرآیند مبتنی بر تجربه‌های جهانی در نظر گرفته شود تا بتوانیم آن طرح را با سنجش تمام جوانب بررسی، جمع‌بندی و اجرا کنیم؛ اتخاذ این روند از بروز چالش‌ها پیشگیری می‌کند. چنانچه آیین‌نامه‌ها و مصوبات چارچوب منطقی نداشته باشد، با مشکل مواجه خواهند شد. شیوه صحیح استخراج و ارزیابی داده‌ها و این‌که مبنای تصمیم‌گیری چگونه باشد، باید همواره مورد توجه قرار گیرد. دکتر پزشکیان با اشاره به این‌که اختلافات از آنجا آغاز می‌شود که راه درستی برای رسیدگی به مسائل نداریم، اظهار داشت: برخورد سلیقه‌ای با مساله، یکی از مواردی است که باعث بروز اختلاف نظر می‌شود، اما اگر طبقه‌بندی اصولی از داده‌ها داشته باشیم، این اختلافات شکل نمی‌گیرد. رئیس جمهور با تأکید بر رصد و پایش مصوبات هیات دولت، در توضیح چرایی آن گفت: انجام این کار باعث بهبود نظارت و ارزیابی مصوبات و آیین‌نامه‌ها در دولت خواهد شد. رئیس جمهور با اشاره به این‌که وضع موجود ناشی از عملکرد خود ماست، گفت: اطمینان دارم مسائل کشور را می‌توان آرام آرام حل کرد؛ اولویت ما در دولت وفاق، تامین معیشت، مدیریت ناترازی انرژی، سلامت، آموزش، محیط زیست، سوخت و روابط بین‌الملل است. در ابتدای این نشست هر یک از معاونان و دبیران کمیسیون‌های هیات دولت گزارشی از عملکرد واحد مربوطه خود ارائه کردند.

شایعه استعفای برخی وزرا تکذیب شد

الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت روز گذشته درباره برخی شایعات منتشرشده پیرامون توافق میان رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی در مورد استعفای برخی وزرا به جای استیضاح آنان گفت: چنین موضوعاتی عمدتا فقط در فضای مجازی مطرح می‌شود و واقعیت ندارد. وی ادامه داد: این‌که گفته می‌شود آقایان پزشکیان و قالیباف با یکدیگر توافق کرده‌اند و بناست به‌زودی برخی وزرا استعفا دهند صحت ندارد. نمی‌دانم چرا بعضی افراد تلاش می‌کنند با طرح چنین شایعاتی روند خدمت‌رسانی دستگاه‌های دولتی را مختل کنند. حضرتی همچنین گفت: چنین مواردی در عملکرد تأثیری در عملکرد دستگاه‌ها ندارد و وزارتخانه‌ها با تمام توان در راستای اجرای دستورات دولت و اهداف برنامه هفتم توسعه در تلاش هستند. رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت با بیان این‌که در جلسات مشترک سران قوا و نظایر آن موضوعات روز کشور مورد طرح و بررسی قرار می‌گیرد، خاطرنشان کرد: از رسانه‌ها و فعالان رسانه‌ای درخواست داریم اخبار را از منابع رسمی پیگیری کنند و به شایعاتی که تحت عناوینی مانند مقام آگاه، مقام مطلع، شنیده‌ها و... منتشر می‌شود توجه نکنند.